

سقط جنین از دیدگاه اسلام و فمینیسم

تهمینه ریاب^۱

چکیده

دین اسلام، محافظ و حامی توالد و تناسل است. این جمله، بسیار روشن بوده و در آیات و روایات مختلف، بیان شده و استدلال عقلی هم پشتوانه محکمی برای این امر است. در طول تاریخ، گاه والدینی بوده‌اند که با اهداف و انگیزه‌های مختلف، فرزندان خود را سقط کرده یا می‌کنند. نهضت فمینیسم، پس از انقلاب صنعتی غرب، بر اساس مبانی اومانیستی، لیبرالیستی و سکولاریستی، یافته‌های بشری را منبع و معیار تشریع و قانون‌گذاری می‌داند. بر اساس نگرش اومانیستی، چون هوس انسان، محور و ملاک همه امور زندگی است، بسیاری از محدودیت‌های شرعی و حقوقی، به بهانه تراحم با انسانیت انسان‌ها، مجاز شمرده می‌شود. برای مثال، مبارزه با بسیاری از احکام دینی یا مقررات اجتماعی توالد و تناسل، مانع لذات است. قوانینی مانند حق خودداری از تمکین جنسی زنان در مقابل همسر، مشروعیت هرگونه ابتذال اخلاقی و اجتماعی، همجنس‌بازی بر اساس جدایی روابط جنسی از تولید مثل و حق تسلط بر بدن در روابط جنسی و سقط جنین، از این نوع هستند. در این تحقیق، تفکر فمینیست‌ها در رابطه با سقط جنین بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: اسلام، فمینیسم، سقط جنین، ولوج روح، نفس محترمه، قتل نفس.

۱. مقدمه

نسل انسان، از طریق توالد و تناسل باقی می‌ماند. در طول تاریخ، گاه والدینی بوده‌اند که با اهداف و انگیزه‌های مختلف، فرزندان خود را سقط کرده و می‌کنند. این پدیده را می‌توان از مناظر و زوایای متعددی تحلیل کرد. برخی با این موضوع به گونه‌ای برخورد کرده‌اند که گویا والدین، با استقلال، می‌توانند درباره انجام آن تصمیم بگیرند. بنابراین، سقط جنین در برخی کشورها و نظام‌های حقوقی، رایج شده است، چون حق حیات، از حقوق فردی نیست، در اسلام سقط جنین ممنوع شده؛ زیرا باعث سلب حق حیات از انسان شده، از مراتب قتل نفس بوده و جرمه‌های خاصی نیز دارد.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از پاکستان.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. فمینیسم در لغت و اصطلاح

فمینیسم در لغت، از ریشه (Feminie) گرفته شده که در اصل فرانسوی است که خود این واژه نیز، از ریشه لاتینی (Femina) مشتق شده است. فمینیسم در اصطلاح، در زبان انگلیسی دو کاربرد دارد: یکی جنبش برابری زن و مرد و دیگری جنبش آزادی زنان. (آریان پور کاشانی، ۱۳۷۷، ۱۹۲۸/۲)

۲-۲. جنین در لغت

۷ الی ۲۴ ساعت پس از ترکیب نطفه مرد با تخمک، موجود زنده جدیدی پدید می‌آید که به آن جنین می‌گویند. مبدأ جنین، ابتدای بارداری و انتهای آن، لحظه ماقبل ولادت است. اگر عاملی، مانع این تکامل طبیعی شده و جنین، حیاتش را از دست دهد، جنین سقط می‌شود. (نوشین، ۱۳۸۶)

۳-۲. سقط

سقط در لغت، به معنی افتادن، انداختن و واقع شدن است. «سقط الولد من بطن امه؛ فرزند از شکم مادرش خارج شد» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۱۶/۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۲۵۳/۴). در کتب فقهی و روایی، سقط جنین بیشتر با تعابیری مانند اجهاض به معنی اسقاط حمل و اسقاط و القاء آمده و در موارد کمتری نیز با تعابیر ازلاق و املاص آمده است. (مؤسسه دایره معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۳۱، ۳۹۳/۵)

۴-۲. ولوج روح

بی‌ترید در مرحله‌ای از سیر تکوین انسان، پیوندی مبارک میان روح و جسم برقرار می‌شود که قرآن از آن به دمیدن یا نفخ روح در بدن یاد کرده است. آغاز این ارتباط که در فقه به آن ولوج روح می‌گویند، موضوع برخی از احکام شرعی در نصوص است. برخی از فقها، به استناد روایات معصومین علیهم‌السلام، زمان ولوج روح در جنین انسان را پس از پایان چهارماهگی می‌دانند. (عاملی، ۱۴۱۹، ص ۵۶؛ حلی، ۱۴۱۲، ۱/۱۲۸) در این میان، تنها شیخ مفید و برخی دیگر، زمان ولوج روح برای جنین را شش ماهگی ذکر کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۳۹؛ حلی، ۱۴۱۲، ص ۶۰۲؛ طرابلسی، ۱۴۰۶، ۲/۳۴۱).

با توجه به روایات دیه جنین، به وضوح می‌توان دریافت که موضوع حکم دیه کامل برای جنین، ولوج روح است و معصومین علیهم‌السلام به هیچ وجه در صدد تعیین زمان معینی برای این موضوع نبوده و تعیین و تشخیص آن را به مکلفان واگذار کرده‌اند. روایات متعدد شیعه و سنی

که به صراحت یا به اشاره، چهارماهگی را زمان ولوج روح معرفی کرده‌اند، تنها درصدد بیان موارد عادی و غالب بوده و نمی‌خواهند برای تشخیص پدیده ولوج روح که آثار طبیعی دارد، زمانی تعبدی و غیرقابل تغییر تشریع کنند.

۳. ادله منع سقط جنین از دیدگاه اسلام

۳-۱. قرآن کریم

انسان، برای امتحان و آزمایش که زمینه‌ساز سعادت حقیقی اوست، پا به این جهان گذاشته تا با حسن اختیار خویش، طریق عبودیت خداوند را برگزیده و طی کند و از این رهگذر به مقام قرب الهی و خلیفه الهی برسد. متأسفانه امروزه در جامعه، پدران و مادرانی هستند که فرزندان خود را کشته و در همان روزها و ماه‌های اولیه شکل‌گیری جنین، اقدام به سقط آن از روش‌های مختلف می‌کنند. خداوند متعال در آیه ۱۳۷ انعام می‌فرماید:

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُزْوَوَهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ.

این‌گونه برای بسیاری از مشرکان، بتانشان کشتن فرزندانشان را آراستند تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتهب سازند و اگر خدا می‌خواست، چنین نمی‌کردند، پس ایشان را با آنچه به دروغ می‌سازند، رها کن.

این درحالی است که قتل نفس، آن هم از نوع عمدی، هیچ توجیهی نداشته و از بزرگ‌ترین گناهان در همه ادیان الهی است. خداوند متعال در در جای دیگر می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعُهُنَّ وَاشْتَعَفْنَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ.

ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرام‌زاده پیش دست و پای خود را با بهتان و حيله به شوهر نبندند و در کار نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند آمرزنده مهربان است. (ممتحنه: ۱۲)

در این آیه، خداوند متعال به صورت مستقیم دستور می‌دهد که زنان مؤمن و کسانی که ایمان آورده‌اند، نباید فرزندان خود را به قتل برسانند. سقط جنین، در اسلام حرام شمرده شده

واژگناهان کبیره است. کسی که سقط جنین می‌کند، یک انسان را کشته و کسی که انسانی را بکشد، قاتل است. عده‌ای نیز از ترس فقر و شرایط سخت معیشتی، جنین خود را سقط می‌کنند. خداوند، به این افراد دستور می‌دهد:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا.

و از بیم تنگدستی، فرزندان خود را مکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری کشتن آنها همواره خطایی بزرگ است. (اسراء: ۳۱)

۲-۳. روایات

۱-۲-۳. سنت

- روایاتی که بر حرمت سقط نطفه‌ای که در رحم واقع شده، دلالت می‌کنند، بر حرمت سقط جنین در مراحل بعدی نیز دلالت دارند، مانند موثقه اسحاق بن عمار: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرِبُ الدَّوَاءَ فَتُلْقِي مَا فِي بطنِهَا قَالِ لَا فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ فَقَالَ إِنْ أَوَّلَ مَا يَخْلُقُ نُطْفَةٌ» (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۶/۲۹). راوی می‌گوید:

به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم زنی از حاملگی می‌ترسد. دارویی می‌خورد تا آنچه در شکم دارد، بیندازد. آیا چنین عملی جایز است؟ فرمود خیر. عرض کردم جنین در مرحله نطفه است. فرمود اولین چیزی که خلق می‌شود، نطفه است.

- امام علیه السلام می‌فرماید: «اولین منزلگه موجود انسانی، نطفه است». کلمه لا، ظهور در تحریم دارد. نکته دیگری که از موثقه قابل استفاده است، این است که موضوع حرمت، انسان نیست، بلکه آن چیزی است که منتهی به انسان می‌شود. صحیح‌ه/بی عبیده از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَهِيَ حَامِلٌ لِيَطْرَحَ وَلَدَهَا فَالْقَتْ وَلَدَهَا قَالِ إِنْ كَانَ لَهُ عَظْمٌ قَدْ نَبَتْ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَشَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَالبَصَرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دِيَةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قَالِ وَإِنْ كَانَ جَنِينًا عُلِقَهُ أَوْ مَضَغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ فَهِيَ لَا تَرْتُّ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دِيَتِهِ قَالِ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ.

امام باقر علیه السلام درباره زن بارداری که دارویی می‌نوشد تا فرزندش سقط شود و فرزند هم سقط می‌شود، فرمود: اگر آنچه سقط شد، به مرحله‌ای رسیده باشد که دارای استخوان و گوشت و چشم و گوش باشد، بر زن واجب است دیه او را به پدرش بپردازد. اگر به این مرحله نرسیده و علقه یا مضغه باشد، باید چهل دینار و یا عبد یا کنیزی را به پدر او بدهد. راوی می‌گوید از او پرسیدم آیا زن، از دیه فرزند خود ارث نمی‌برد؟ فرمود خیر؛ زیرا زن، او را کشته و قاتل، ارث نمی‌برد.

این روایت، بر حرمت سقط جنین در مراحل علقه، تا قبل از دمیده شدن روح دلالت می‌کند. (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱۸/۲۹) از روایاتی که بر وجوب تأخیر رجم زانیه بارداریا تأخیر قتل مرتد باردار تا وضع حمل دلالت می‌کنند، استنباط می‌شود که حفظ جنین، امری لازم و واجب، و سقط آن، حرام و نامشروع است. (خرازی، بی تا) موثقه محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام فرمود: «امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مرتد بارداری فرمود: یُحْبِسُهَا حَتَّى تَضَعَ مَا فِي بطنِهَا فَإِذَا وَلَدَتْ يَقْتُلُهَا؛ او را زندانی کنند تا وضع حمل نماید و بعد از آن، به قتل برسانند». (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۶/۲۶)

۳-۲-۲. سقط غیر اختیاری

گاهی اوقات، جنین ناخواسته از بین رفته یا مرده به دنیا می‌آید. در این صورت، والدین باید صبر پیشه کرده و حکمت خداوند را در ورای این حادثه ببینند. معاویه بن جیده قشیری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که آن حضرت فرمود: «زن سیاه فرزندا، از زن زیبای نازا بهتر است؛ زیرا من، به کثرت شما بر سایر امت‌ها مباحثات می‌کنم»، حتی اینکه فرزند سقط شده با حالت ناراحتی و چشم انتظاری بر در بهشت می‌ایستد، به او می‌گویند برو به بهشت. طفل سقط شده در جواب می‌گوید که من تنها داخل نمی‌شوم، بلکه با پدر و مادرم وارد می‌شوم. آن‌گاه به او گفته می‌شود که تو و پدر و مادرت به بهشت بروید. (مخبر دزفولی، ۱۳۷۴، ۳۰/۱)

۳-۳. عقل

عقل نیز حکم به حرمت ظلم کرده و سقط جنین را ظلم می‌داند؛ زیرا سقط جنین، تعدی نسبت به کسی است که قادر به دفاع از خود نیست. (مخبر دزفولی، ۱۳۷۴، ۳۰/۱) از طرف دیگر، سقط جنین، اسقاط و ابطال ماده حیات انسانی بوده و جلوگیری از تناسل بشر است. این موضوع در نظام تکوین و تشریع، قبیح است (سبزواری، ۱۴۱۳، ۳۰۹/۲۹). شرع مقدس، بر وجوب حفظ نسل بشر اهتمام ویژه‌ای داشته و تفریط و کوتاهی در حفظ نطفه بعد از انعقاد در رحم را جایز نمی‌داند، البته این دلیل بزرگی است و نمی‌توان به اطلاق آن تمسک کرد و چه بسا به سبب عوامل دیگر، سقط جایز باشد.

۴-۳. اجماع

فقه‌ها نیز به اجماع، دیه را برای جبران خسارت ناشی از جنایت بر غیر، واجب و لازم دانسته‌اند. در این خصوص، شیخ طوسی چنین می‌فرماید: «دیه الجنین التام إذا لم تلج الروح مائه دینار، دلیلنا؛ إجماع الفرقه وأخبارهم؛ دیه جنین تام الخلقه که روح در او دمیده نشده، یکصد دینار است. دلیل ما، اجماع فقه‌ها و اخبار و روایات است» (طوسی، ۱۴۰۷، ۲۹۱/۵). همان طور که

مشخص است، اجماع ایشان مدرکی بوده است. بنابراین، برای استنباط حکم سقط جنین، به همان مدارک رجوع می‌شود، البته برای تحفظ از مخالفت مشهور، در موارد مشکوک، امر به احتیاط رجحان دارد.

۴. سقط جنین از دیدگاه فمینیسم

در قرن بیستم، فمینیسم به عنوان یک جنبش واقعی سازمان یافت و موج اول آن، خواهان برابری زن و مرد در فرصت‌ها و اشتغال بود. پس از شکل‌گیری موج اول فمینیسم و اعطای حقوق سیاسی و اشتغال برابر به زنان، فمینیست‌ها همچنان خود را در قید همسر و خانواده می‌دیدند، به ویژه زمانی که صاحب فرزند ناخواسته می‌شدند. در این زمان، بیشتر اعتراضات و تحرکات جنبش فمینیسم به سمت کنترل بیشتر زن بر بدن خود و فرار از خصوصیات زنانه‌ای شد که فیزیولوژی آنها به ایشان تحمیل می‌کرد. با گذشت زمان، برخی فمینیست‌های مشهور، به صورت تشکیلاتی، برای قانونی کردن سقط جنین مبارزه می‌کردند و آن را حق بنیادی برای زن می‌دانستند. به عقیده فمینیست‌ها، سقط جنین باعث تسهیل مشارکت کامل زنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی شده؛ زیرا بر این باورند که بهترین شیوه دستیابی به هدف مشارکت زنان، تطابق آنها با ساختارهای تجاری، سیاسی و اجتماعی طراحی شده توسط مردان و برای مردان است و زنان تنها زمانی می‌توانند به این تناسب برسند که از حاملگی و مادرشدن بپرهیزند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در فمینیسم، مبانی فکری اومانیسم و سکولاریسم، پررنگ است. فمینیست‌های افراطی، نمی‌توانند به ارزش‌های دینی معتقد باشند؛ زیرا مسائل حقوقی، سیاسی و اجتماعی مربوط به زنان را خارج از قلمرو هر دینی می‌دانند. بنابراین، احکامی مانند حجاب، ممنوعیت سقط جنین، ضابطه‌مند-شدن روابط جنسی و احکام مربوط به خانواده و اخلاق و ارزش‌های دینی را مصداق ستم به زنان معرفی کرده، در جهت محو آنها تلاش می‌کنند. از نظر فمینیسم، زن باید خود را انکار کرده و بر مرد شدن اصرار کند تا حقوق برابر داشته باشد. فمینیسم به عنوان مولود فرهنگ سرمایه‌داری غرب، در اندیشه‌های خود، از این اصل سود می‌جوید و هیچ ارزش اخلاقی و دینی را ثابت و مطلق نمی‌داند و عقیده دارد که هر کس حق دارد هرگونه که بخواهد زندگی کند. ترتیب جنسی آرمانی برای فمینیست‌ها، آن است که هر فردی، مناسب‌ترین سبک زندگی را برای خود برگزیند و گزینش او از سوی دیگران پذیرفته شده، مورد احترام قرارگیرد، خواه خانه‌داری یا

خانه شوهری باشد یا زندگی مجردی، بچه دار یا بی بچه و یا نوعی ارضای جنسی انعطاف پذیر را در پیش گیرد. نهاد خانواده برای آنها ارزشی ثابت نیست که در عالم واقع تنیده شده باشد. آنان، خانواده و ازدواج را محدودکننده حق جنسی زن می دانند؛ زیرا آزادی جنسی زنان را حق دسترسی آنها به ارتباطات آزاد جنسی می دانند. ازدواج، تا آنجا برای آنها قابل پذیرش است که آزادی های جنسی شان را محدود نکرده باشد.

حفظ حیات جنینی که در شکم زن است، از نگاه نسبیت گرایی فمینیست ها، همیشه امری خوب و مثبت نیست. حفظ جنین تا زمانی خوب است که زن بخواهد و حضور و حیات او را انتخاب و اراده کند، اما اگر به هر دلیلی، وجود جنین را برای خود مزاحم تلقی کند، سقط آن از حقوق مسلم او شناخته می شود. از این منظر، همجنس گرایی، پدیده ای زشت و مذموم نیست؛ زیرا آنچه این پدیده را زشت یا زیبا جلوه می دهد، به داوری خود فرد بازمی گردد. وقتی شخص، همجنس گرایی را به عنوان بدیلی برای ازدواج ناهمجنس گرا برمیگزیند، باید به انتخاب او احترام گذاشت. روشن است که هر یک از دیدگاه های مذکور، پیش از هر چیز، بنیان خانواده را به سوی فروپاشی و اضمحلال رهنمون می کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۶). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن منظور، جمال الدین (۱۳۶۳). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
۲. آریان پورکاشانی، منوچهر (۱۳۷۷). فرهنگ پیشرو آریان پور. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رسانه.
۳. حلی، حسن بن یوسف مطهر اسدی (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۴. خرازی، سید محسن (بی تا). تحریر النسل و التعقیم، نشریه فقه اهل بیت (ع)، (۱۵)، ص ۴۳.
۵. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤسسه المنار.
۶. طرابلسی، ابن براج (۱۴۰۶). المذهب. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. العاملی، محمد بن الحسن الحر (۱۴۰۳). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. مخبر دزفولی، عباس (۱۳۷۴). ارمان شهید. مترجم: مسکن الفؤاد. قم: بوستان کتاب.
۱۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۱۲. مؤسسه دایره معارف الفقه الاسلامی (۱۴۳۱). موسوعه الفقه الاسلامی. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
۱۳. نوشین، اهوران (۱۳۸۶). بررسی ادله جواز و حرمت سقط جنین، نشریه حورا، ۲۵، ص ۴۷.